

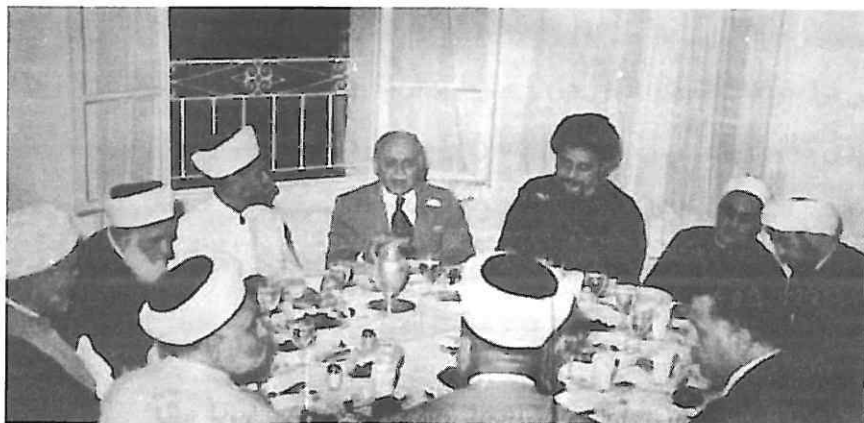
تقریب مذاهب اسلامی؛ گامی به پیش

امام موسی صدر

اشاره

گرایش‌های تقریبی، علی‌رغم این که نیاز به آنها ملموس‌تر و مبرم‌تر شده، در میان ما رو به افول نهاده است. اگرچه هنوز هم در مناسبت‌های خاص شعار تقریب مذاهب اسلامی را سر می‌دهیم، در عمل آن چنان تند و غلیظ و طائفه‌گروانه رفتار می‌کنیم و با شدت و حدت بر طبل خواست‌ها و گرایش‌های افراطی مذهبی می‌کوبیم که دیگر کسی شعارهای تقریب‌گرایانه ما را جدی نمی‌گیرد.

اینک که گفت‌وگو به الگوی حاکم در روابط بین‌الملل و بین‌الادیان تبدیل شده است و در زمانی که همه مجموعه‌های از هم جدا افتاده یا دارای حداقل‌های مشترک همدیگر را یافته، سودای اتحاد یا پیمان‌های نظامی و اقتصادی را در سر می‌پروراند، بجاست که ما نیز به تقریب مذاهب اسلامی، که به مراتب مشترکاتشان از مذاهب درونی مسیحیت - به عنوان مثال - بیشتر است، به طور جدی‌تر و عمیق‌تر نگاه کنیم. تقریب برای آن که عمق بیشتری یابد و فراتر از یک حرکت تاکتیکی و مرحله‌ای باشد، نیازمند مبانی استوار و نیز راهکارهای سنجیده‌ای است که بتواند مبنای عمل قرار بگیرد. یافتن مبانی تقریب در منابع اسلامی و نیز سیره پیشوایان دین و مذهب چندان دشوار نیست؛ آنچه دشوار به نظر می‌آید عرضه راهکارهایی است که هم ما را به همدلی مذاهب نزدیک‌تر سازد و هم بتواند از غلیان احساسات و



تحریک حساسیت‌های مذهبی جلوگیری و بلکه گرایش‌های مذهبی را همسوی با گرایش‌های تقریبی کند.

امام موسی صدر از روحانیان دین آشنا و زمانه‌شناسی بود که با تمام وجود به تقریب مذاهب اسلامی اعتقاد داشت، همچنان‌که در نگاهی بلندتر به تفاهم و تعامل ادیان نیز می‌اندیشید. آن عزیز - که خدایش به ما باز گرداند - اندیشه تقریب را در دوران زعامت خود در لبنان به جد دنبال می‌کرد و با تکیه بر داده‌های دینی و واقعیت‌های عینی روزبه‌روز آن را بارورتر می‌ساخت.

با توجه به این‌که ما همچنان بدان اندیشه‌ها و تجربه‌ها نیازمندیم و به مناسبت همایش بزرگداشت مرحوم آیت‌الله‌العظمی بروجردی و شیخ محمود شلتوت، بر آن شدیم تا ترجمه یکی از نامه‌های تاریخی ایشان به مفتی اهل سنت لبنان را تقدیم کنیم؛ با این امید که الهام‌بخش همه تقریب‌جویان باشد. گفتنی است که این نامه پس از تأسیس شورای عالی شیعیان لبنان [=المجلس الاسلامی الشیعی الاعلی] و تعیین امام موسی صدر به ریاست آن شورا، به تاریخ ۱۳۴۸/۳/۲ نگاشته شده است.

برادر بزرگوار جناب شیخ حسن خالد، مفتی معظم لبنان!

با تقدیم احترام و سلام

در این روزهای دشواری که امت اسلامی در نگرانی و اضطراب به سر می‌برد و حال و آینده همه منطقه در معرض تندبادی ویرانگر قرار گرفته است، بیش از هر وقت دیگری ضرورت وحدتی فراگیر و عمیق که صفوف از هم جدا افتاده را گرد آورد و تلاش‌های

پراکنده را هماهنگ سازد احساس می‌شود. در پرتو این یگانگی، مسلمانان به جایگاه واقعی خود پی می‌برند و در حرکت به سوی آینده و در ساختن تاریخ و انجام مسئولیت‌های خود، اعتماد به نفس خویش را باز خواهند یافت.

تلاش برای یکی شدن نیروها و گسترش توانایی‌ها و شایستگی‌ها نه تنها از برترین آرمان‌های دینی و نیز عمل به سفارش بزرگ پیامبر اسلام است، بلکه پیوند عمیقی با کیان و کرامت‌مان و نیز موجودیت شرافتمندانه نسل‌های آتی دارد.

وحدت اسلامی نباید در حد شعار یا نوشتار باقی بماند، بلکه باید در ذهن، دل و رفتار ما رسوخ یابد. این مهم بنیادی‌ترین پایه‌ای است که آینده ما را شکل خواهد داد. برای نیل به این مطلوب باید توجه فکری بسیار و اهتمام درونی ویژه‌ای مصروف این هدف اساسی گردد. برای جاگیر و فراگیر شدن وحدت لازم است تلاش‌های بی‌دریغی صورت بگیرد؛ در این صورت، وحدت به حقیقتی پایدار و الگویی ماندگار تبدیل شده، برای همگان الهام‌بخش خواهد بود.

از این فرصت استفاده می‌کنم و اندک تجربه خود را در این زمینه پیش روی شما قرار می‌دهم، همان‌که پیش‌تر نیز در نخستین دیدارمان در مرکز اسلامی افتاء از آن سخن گفتم.

یکی کردن سخن، دل و ذهنیت مسلمانان و به تعبیر دقیق‌تر، ریشه‌دار کردن وحدت اسلامی و بنیان آن بر پایه‌های فکری و عاطفی استوار از دوره شدنی است:

۱. وحدت فقهی

مورد اتفاق بودن پایه‌های اصلی بنای رفیع اسلام و هم‌رأیی مسلمانان در اعتقادات اصلی، کتاب آسمانی، مبدأ و معاد در صورتی اثرگذار می‌شود که در تفاسیل و جزئیات نیز به نوعی تفاهم دست یابیم. یکی کردن یا به هم نزدیک کردن جزئیات مختلف از آرزوهای دیرینی است که عالمان شایسته ما از دیرباز در سر می‌پرورانده‌اند. به عنوان نمونه، شیخ طوسی بیش از هزار سال قبل در زمینه فقه مقارن [= تطبیقی، مقایسه‌ای] کتاب خلاف را نگاشت. علامه حسن بن یوسف حلّی نیز در کتاب تذکره همین راه را پی گرفت. فقه مقارن هسته اصلی وحدت فقهی و گامی محکم در راه وحدت اسلامی است.

در روزگار ما، سی سال پیش جمعی فرهیخته از بزرگان علمای اسلام دارالتقرب بین المذاهب الاسلامیة را در قاهره بنیان گذاشتند. بنیانگذاران این حرکت نوین عبارت‌اند از: استاد فرزانه، شیخ الازهر شیخ عبدالمجید سلیم؛ استاد مجدد شیخ محمود شلتوت؛ شیخ محمد محمد مدنی، رئیس دانشکده شریعت در الازهر؛ امام سید عبدالحسین شرف الدین؛ علامه سید حسین بروجردی، مرجع عالی شیعیان جهان و استاد علامه شیخ محمد تقی قمی، دبیر دائمی دارالتقرب. مرکز تقرب در کنار خدمات گسترده‌اش برنامه مهمی را نیز در دستور کار قرار داد که امام سید صدرالدین صدر [والد امام موسی صدر] اصول اولیه آن را ترسیم و انجام آن را آغاز کرد، کتاب وی، لواء الحمد، تلاشی بود برای گردآوری تمام روایاتی که فرقه‌های مختلف اسلامی در زمینه‌های مختلف اعتقادی و فقهی از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده‌اند تا علاوه بر قرآن کریم، منبع قابل اعتماد دیگری فراروی مسلمانان بوده، زمینه‌ساز وحدت سنت پاک پیامبر اکرم (ص) شود.

بزرگان دیگری نیز در این مدت در پیرامون فقه و مذاهب اسلامی آثار ارزنده‌ای نگاشتند؛ سپس موج موسوعه‌نویسی [= دایرةالمعارف‌نگاری] آغاز شد. الموسوعة الفقهية از دانشگاه دمشق، موسوعة عبدالناصر للفقہ الاسلامی، از دانشگاه الازهر، و تلاش‌های آغاز شده در دانشگاه کویت برای تکمیل الموسوعة الفقهية نمونه‌هایی از این موج نوین است. استاد گرانمایه و رئیس دانشکده فقه در نجف اشرف، سید محمد تقی حکیم، نیز کتابی گرانسنگ درباره اصول فقه مقارن تألیف کرده است.

دستاوردهای این تلاش‌های سازنده به مرور در فتوهای فقهای اسلام بروز و ظهور یافته و نشان داده است که دست‌یافتن به وحدت فقهی چندان هم دور از انتظار نیست.

۲. کوشش‌های جمعی

این راه در تلاش‌های مشترکی نمود می‌یابد که برای تحقق اهداف خاص دینی و اجتماعی صورت می‌گیرد و به‌خودی خود توفیقی است در راه نیل به وحدت. کوشش‌های جمعی به تماس فعالان یک عرصه، مانند رزمندگان یک جبهه، می‌انجامد و در نتیجه، اطمینان متقابلی به دست می‌دهد و در پرتو آن جان‌های نگران به آرامش می‌رسند، چون در چنین وضعیتی می‌توان به باورها و احساسات یگانه دست یافت.



به عنوان نمونه، برخی از این اهداف را یادآور می‌شوم:

۱. **اهداف کاملاً دینی**، مانند وحدت عیدها و شعائر دینی و یکی شدن الفاظ برخی از عبادت‌ها مانند اذان و نماز جماعت؛ می‌توان برای به دست آوردن طلوع ماه نو در افاق به روش‌های نوین علمی اعتماد کرد تا روز عید فطر به‌دقت معلوم شود و مسلمانان جهان بتوانند روز واحدی را به عنوان عید گرامی بدانند و به‌راحتی بتوانند از پیش برای این روز برنامه‌ریزی کنند. همچنین می‌توان برای اذان الفاظی را در نظر گرفت که مورد پذیرش همگان باشد.

۲. **اهداف اجتماعی**: می‌توان تلاش‌هایی جمعی را سامان داد که در پی مبارزه با بی‌سوادی و بی‌خانمانی و سرپرستی ایتام و بالابردن سطح زندگی زحمت‌کشان جامعه باشد. به‌راحتی می‌توان نهادها و بنیادهایی را تأسیس کرد که این اهداف والا را تأمین کند و نیز می‌توان از نهادهای موجود حمایت و پشتیبانی بیشتری کرد.

۳. **اهداف ملی** [در خصوص لبنان و نیز کشورهای دیگری که با تنوع مذهبی روبه‌رو هستند]: هیچ‌تردیدى در وجود احساسات ملی مشترک نیست؛ از این قبیل است وجوب مشارکت عملی برای آزادی فلسطین، لزوم حمایت از لبنان در برابر مطامع دشمن غدار، لزوم پشتیبانی از مقاومت مقدس فلسطینی‌ها، ضرورت آمادگی کامل و نیز همیاری تمام عیار با دولت‌های عربی دوست برای ایستادگی در برابر تجاوزهای احتمالی دشمن، و سرانجام موضوع ایجاد استحکامات دفاعی در جنوب لبنان و نیز در همه لبنان تا این کشور به دژ محکمی تبدیل شود که شاخ‌های اسرائیل را در هم شکنند و مطامع

استعماری را از بین ببرد. همه اینها اهدافی‌اند که در مورد آنها هیچ اختلافی وجود ندارد؛ ولی تمامی آنها به شدت نیازمند بررسی‌های دقیقی است تا برای تحقق آنها و نیز تعیین مسئولیت هر شخص و گروهی به دقت برنامه‌ریزی شود و نیز باید تلاش‌های همه فرزندان این سرزمین با هماهنگی لازم با همدیگر و با مسئولان و کشورهای عربی صورت بگیرد و همه توانایی‌های مسلمانان جهان و صاحبان وجدان‌های بیدار و نیت‌های پاک به خدمت گرفته شود.

برای مشارکت حقیقی در این وظایف بر ماست که این برنامه‌ها و شیوه‌های آنها را به اتفاق مورد بررسی قرار دهیم تا آسان‌تر بتوانیم به هماهنگی لازم دست یابیم. اینها نمونه‌هایی هستند که بر جناب‌عالی عرضه کردم، با این امید که همه ابعاد موضوع بررسی شود و متخصصان و کارشناسان مکلف شوند تا کمیته‌های مشترک را راه‌اندازی کرده، به سرعت کار را آغاز کنند.^۱

پی‌نوشت

۱. امام موسی صدر در حاشیه هفتمین کنفرانس اندیشه اسلامی در الجزایر در سال ۱۳۵۱ در پاسخ به پرسش یکی از خبرنگاران درباره وحدت مذاهب اسلامی اظهار داشت که در زمینه مذاهب اسلامی با دو جنبه یا دو بخش روبه‌رویم:

نخست، شعائر اسلامی است که مقصود از آن احکامی است که در ظاهر فرد و جامعه بروز می‌یابد؛ اختلاف در شعائر، امت یگانه را در نظر دیگران مجموعه‌ای پراکنده می‌نمایاند. شعائر پیوند عمیقی با عموم مردم دارد و در نتیجه، اختلاف در آنها به شدت در عموم مؤمنان اثر می‌گذارد؛ از این رو مسئولیت‌پذیری اسلامی می‌طلبد که برای یکی شدن این شعائر - علی‌رغم اختلاف در دیدگاه‌های فقهی - تلاش زیادی صورت بگیرد. من تأکید دارم که یکی شدن این شعائر دست‌یافتنی است و من خودم در همایش مجمع تحقیقات اسلامی در قاهره در این زمینه پیشنهادی کارشناسی شده را عرضه کردم، همچنان‌که عالمان بسیاری در این راه کوشش‌های درخور ستایشی انجام داده و می‌دهند.

دوم، فقه اسلامی و دیگر آموزه‌های اسلام است؛ این میراث سترگ که دست‌آورد تلاشی است طاقت‌فروسا و حاصل رقابت‌هایی است که همه نیروهای آدمی را به خدمت می‌گیرد، به هیچ وجه نمی‌تواند نادیده انگاشته شود یا با صرف شعار وحدت مذاهب از بین برود؛ به ویژه آن‌که این اختلاف نظر چون در سطح خواص مطرح است، آسیبی نمی‌رساند و پراکندگی به بار نمی‌آورد، بلکه همواره بر غنای اندیشه‌ها می‌افزاید.

بجاست که باز تأکید کنم که اختلاف نظر به سود پیشرفت و ترقی است و اجتهادورزی را آسان‌تر می‌کند و در نتیجه، اقتباس صحیح راه‌حل مشکلات و نیازهای زمانه را از اسلام ممکن می‌سازد؛ زیرا احکام دینی، به خاطر الهی و مقدس بودن، دارای حسیه اطلاق و شمول - یا به اصطلاح، دکمانیسم و جزم‌اندیشانه - است و اگر این احکام یکسان و مورد قبول همگان باشد، قیقه یا عالم به دشواری می‌تواند جسارت به خرج دهد و در پی تحول و تغییر برآید؛ ولی با وجود دیدگاه‌های متفاوت و متعارض، تغییر و تحول و برگرفتن راه تأمین نیازها آسان می‌شود. اما تلاش‌هایی که برای یکی کردن مذاهب یا، به تعبیر دقیق‌تر، برای نزدیک کردن مذاهب به یکدیگر صورت می‌گیرد، همچنان مورد نظر و خواست همه کسانی است که خالصانه به اسلام عشق می‌ورزند.